

### فعالیت ۴٫۲ میلیون کشاورز در کشور

آخرین سرشماری عمومی کشاورزی بر اساس اعلام مرکز آمار نشان می‌دهد ایران ۴ میلیون و ۲۴۲ هزار بهره‌بردار کشاورزی دارد؛ ۹۲ درصد مرد و ۸ درصد زن. همچنین بیش از ۶۰ درصد بهره‌برداران بالای ۵۰ سال دارند.

بر اساس اعلام مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی ۱۴۰۳ توسط رئیس مرکز آمار ایران اعلام شد که بر اساس آن بهره‌بردارای‌های کشاورزی توسط ۴ میلیون و ۲۴۲ هزار نفر مدیریت می‌شود که ۹۲ درصد آنان مرد و ۸ درصد زن هستند. همچنین ۳ میلیون و ۲۸۴ هزار نفر باسواد و بقیه بی‌سواد هستند که میانگین سنی بهره‌برداران ۵۳ سال و سن ۶۰ درصد آنان بیش از ۵۰ سال است.

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد مساحت اراضی کشاورزی ۱۷ میلیون و ۳۷۹ هزار هکتار است که ۸۹ درصد از آن اراضی زراعی و ۱۱ درصد اراضی باغ و قلمستان است. لازم به ذکر است اراضی کشاورزی بیش از ۷۶ درصد بهره‌برداران دارای زمین، کمتر از ۵ هکتار وسعت دارد.

در زمان اجرای سرشماری، تعداد گاوها و گوساله‌ها ۵ میلیون و ۱۴۷ هزار رأس، تعداد گاو‌میش و بچه گاومیش حدود ۱۴۹ هزار رأس و شتر و بچه شتر ۱۸۷ هزار نفر بوده است. تعداد گاوها و گوساله‌های اصلی یک میلیون و ۶۹۵ هزار رأس، تعداد آمیخته (دور گه) ۲ میلیون و ۱۰۱ هزار رأس و نژاد بومی یک میلیون و ۳۵۱ هزار رأس اعلام شده است. البته ۶۴ درصد گاوها و گوساله‌ها در کشور توسط بهره‌بردارانی نگهدار می‌شود که حداقل ۲۰ رأس از این نوع دام دارند.

۵۱ درصد بهره‌بردارای‌های کشاورزی در استان‌های کرمان، خراسان‌رضوی، مازندران، فارس، گیلان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و خوزستان واقع شده است. همچنین ۶۰ درصد از اراضی زراعی کشور در استان‌های خوزستان، آذربایجان شرقی، خراسان رضوی، کردستان، همدان، زنجان، فارس، کرمانشاه و آذربایجان غربی و ۵۴ درصد از باغ و قلمستان‌های کشور در استان‌های کرمان، فارس، خراسان رضوی، آذربایجان غربی و شرقی و مازندران واقع شده‌اند. در زمان سرشماری، ۵۴ درصد دام‌های سنگین کشور در استان‌های تهران، اصفهان، خوزستان، آذربایجان شرقی، مازندران، آذربایجان غربی، گیلان و خراسان رضوی نگهداری می‌شدند.

همچنین ۵۲ درصد دام‌های سبک کشور در استان‌های فارس، کرمان، خوزستان، خراسان رضوی، آذربایجان غربی و شرقی، سیستان‌وبلوچستان و سمنان نگهداری شده‌اند.

### کاهش ۳۶ درصدی واردات محصولات فولاد

بررسی آمار ۴ ماه نخست سال جاری نشان می‌دهد واردات اکثر مقاطع و محصولات فولادی کشور نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش یافته، اما در مقابل، واردات فولاد میانی بویژه اسلب و بیلت و بلوم با رشد چشمگیری روبه‌رو شده است. به گزارش ایسنا، آنچه انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران از عملکرد فولادی‌ها در واردات طی ۴ماه نخست اسمال ارائه کرده است، نشان می‌دهد اکثر محصولات زنجیره آهن و فولاد کشور با کاهش میزان واردات نسبت به مدت مشابه سال گذشته مواجه شده‌اند.

از ابتدای سال جاری تا پایان تیرماه، ۲۰ هزار تن، مجموع واردات انواع مقاطع طویل فولادی ۲۲ میلیون دلار ثبت شده که نسبت به ۳۱ هزار تن وارد شده در مدت مشابه سال گذشته به ارزش ۳۳ میلیون دلار، به لحاظ حجمی ۳۷ درصد و به لحاظ ارزش واردات ۳۳ درصد کمتر شده است که نشان از ازبیری کمتر برای واردات این مقاطع دارد.

میزان واردات برای مقاطع تخت نیز کاهش ۳۶درصدی وزنی و ۳۰ درصدی ارزشی داشته است، در حالی که میزان واردات آن در مجموع ۴ ماه سال ۱۴۰۳، حدود ۴۳۱ هزار تن به ارزش ۴۲۴ میلیون دلار ثبت شده، این عدد در مدت مشابه سال جاری به ۲۷۴ هزار تن کاهش یافته و ارزش آن نیز افت داشته و به ۲۹۶ میلیون دلار رسیده است. میزان واردات محصولات فولادی در مجموع ۴ماه نخست اسمال نسبت به مدت مشابه سال گذشته نیز کاهش ۲۶ درصدی را ثبت کرده و از ۴۶۲ هزار تن به ۲۹۳ هزار تن رسیده است.

ارزش ریالی واردات اینن مقاطع نیز از ۴۵۷ میلیون دلار به ۳۱۸ میلیون دلار کاهش یافته و افت ۳۰درصدی را ثبت کرده است.

همچنین شایان ذکر است میزان واردات تیرآهن به لحاظ وزنی ۵ درصد و ارزشی ۱۴ درصد، میلگرد ۴۹ درصد وزنی و ۳۶ درصد وزنی و همچنین نبشی، ناودانی و سایر مقاطع وزنی ۳۲ درصد و ارزشی ۳۴درصد کاهش را ثبت کرده‌اند.

بر اساس آمار، واردات ورق گرم ۴۳ درصد، ورق سرد ۴۶ درصد و ورق پوشش‌دار ۸ درصد کمتر شده است. به ترتیب ارزش واردات این ورق‌ها نیز ۴۶، ۱۶ درصد کمتر شده است. در مقابل اما فولاد میانی هرچند تغییر چندانی نداشته اما حجم واردات این ورق‌ها ۷۳ درصدی را نشان می‌دهد، در حالی که در ۴ ماه نخست سال گذشته ۱۳۰۰ تن به ارزش ۲ میلیون دلار فولاد میانی به کشور وارد شده که این میزان واردات در مدت مشابه امسال به ۲۰۰۰ تن به ارزش ۲ میلیون ۳۰۰ هزار دلار افزایش یافته است.



«وطن امروز» از تأثیر ادامه تخصیص ارز ترجیحی به واردات کالاهای اساسی روی بازار گزارش می‌دهد

# حمایت ارزی؛ سپر تورمی

## تداوم تخصیص ارز دولتی به واردات مواد اولیه، ضمن کاهش هزینه‌های تولید، زمینه‌ساز رونق صنایع داخلی و تعادل در بازار مصرف شده و از فشار تقاضای تورم‌زا جلوگیری می‌کند

هستند، اتکا به تولید داخلی می‌تواند ثبات بیشتری برای بازار داخلی فراهم آورد.

بنابراین، سیاست تخصیص ارز ترجیحی باید به عنوان یک راهکار کوتاه‌مدت برای کنترل تورم و حمایت از معیشت مردم در نظر گرفته شود اما در کنار آن، راهبرد بلندمدت کشور باید بر پایه تقویت تولید داخلی و دستیابی به خودکفایی در تأمین کالاهای اساسی بنا شود. این مسیر اگر به صورت هم‌زمان و هماهنگ دنبال شوند، می‌توانند اقتصاد کشور را در برابر تکانه‌های بیرونی مقاوم‌تر کرده و رفاه پایدار برای جامعه فراهم آورند.

به عبارت دیگر، در شرایط فعلی اقتصاد ایران که با نوسانات نرخ ارز و فشارهای تورمی در بازارهای کالایی مواجه است، ایجاد ثبات در قیمت‌ها بویژه از طریق کنترل هزینه‌های تولید، اهمیت حیاتی دارد. یکی از مؤثرترین ابزارها در این زمینه، تداوم تخصیص ارز برای تأمین مواد اولیه تولید است. این سیاست می‌تواند نقش کلیدی در ایجاد ثبات اقتصادی ایفا کند، چرا که وقتی کالا به اندازه تقاضا در داخل تولید شود لزومی برای واردات دیگر نیست و حتی قاچاق نیز صرفه اقتصادی نخواهد داشت.

درواقع در موقعیت کنونی تخصیص ارز برای واردات مواد اولیه، بویژه در صنایع وابسته به نهاده‌های خارجی، موجب می‌شود قیمت تمام‌شده کالاهای تولیدی در داخل کشور کنترل شود. این موضوع نه‌تنها از افزایش قیمت کالاهای نهایی جلوگیری می‌کند، بلکه به تولیدکنندگان امکان برنامه‌ریزی دقیق‌تر و پایدارتر می‌دهد. در نتیجه، بازار مصرف نیز با ثبات نسبی مواجه شده و از بروز شوک‌های قیمتی جلوگیری می‌شود.

از منظر روانی، ثبات در قیمت مواد اولیه و کالاهای اساسی، سیگنال مثبتی به فعالان اقتصادی و مصرف‌کنندگان ارسال می‌کند. این سیگنال می‌تواند انتظارات تورمی را مهار کرده و از رفتارهای هیجانی در بازار جلوگیری کند، چراکه یکی از عوامل مهم در تشدید تورم، انتظارات تورمی است که با مشاهده نوسانات قیمتی، به‌سرعت در رفتار خرید و سرمایه‌گذاری مردم اثر می‌گذارد. وقتی دولت موفق شود با ابزارهایی مانند ارز ترجیحی، ثبات نسبی در بازار ایجاد کند، این انتظارات نیز تعدیل می‌شوند.

بر اساس تحلیل‌های کارشناسان اقتصادی، ثبات نرخ ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی و مواد اولیه، بویژه در نیمه دوم سال موجب کاهش التهاب‌های بازار و کنترل قیمت‌ها می‌شود. همچنین، مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی تأکید کرده شوک‌های ارزی به طور مستقیم بر قیمت کالاهای تولیدی اثر نگارند و حمایت از تولیدکنندگان از طریق ارز ترجیحی می‌تواند مانع جهش‌های قیمتی شود.

با این حال باید توجه داشت که این سیاست به تنهایی پاسخگو نیست و باید به تقویت تولید داخلی، کاهش وابستگی به واردات و اصلاح ساختارهای اقتصادی نیز توجه شود تا به صورت پایدار و مؤثر اجرا شود. در مجموع، تداوم تخصیص ارز ترجیحی برای تأمین مواد اولیه، در شرایط فعلی می‌تواند نقش مهمی در ایجاد ثبات اقتصادی، کنترل تورم و حفظ آرامش روانی بازار ایفا کند، به‌شرط آن‌که با سیاست‌های مکمل در حوزه تولید و نظارت همراه باشد.

■ **نقش دلالتان در بی‌ثباتی بازار ارز و کالا**

نقش دلالتان در بی‌ثباتی بازار ارز و کالا بسیار پررنگ و تأثیرگذار است، بویژه در شرایطی که بازار با کمبود شفافیت، ضعف نظارت و نوسانات شدید مواجه باشد، دلالتان با ایجاد تقاضای کاذب، احتکار کالاها و بهره‌برداری از فضای روانی جامعه، می‌توانند قیمت‌ها را به‌صورت مصنوعی افزایش دهند و التهاب بازار را تشدید کنند. در بازار ارز، ورود دلالتان به معاملات غیررسمی و خرید و فروش‌های هیجانی، موجب نوسانات شدید نرخ ارز می‌شود که این نوسانات به‌طور مستقیم بر قیمت کالاهای وارداتی و حتی تولیدات داخلی اثرگذار است.

در بازار کالایی نیز، دلالتان با انبار کردن کالاها و عرضه محدود، باعث افزایش قیمت‌ها و شکل‌گیری انتظارات تورمی در جامعه می‌شوند.

برای مهار این پدیده، دولت باید مجموعه‌ای از سیاست‌های هدفمند و هماهنگ را به‌کار گیرد. نخست، افزایش شفافیت در بازار ارز و کالا از طریق راه‌اندازی سامانه‌های رصد لحظه‌ای معاملات و انتشار عمومی اطلاعات مربوط به عرضه و تقاضا، می‌تواند زمینه سوءاستفاده را محدود کند. دوم، تقویت نظارت و برخورد قضایی با معاملات مشکوک، احتکار و سوداگری، از طریق نهادهای مستقل و کارآمد، ضروری است. سوم، حرکت به سوی تکنرخی کردن ارز و حذف نرخ‌های چندگانه، یکی از راهکارهای مؤثر برای کاهش فرصت‌طلبی دلالتان و ایجاد ثبات در بازار ارز است. چهارم، افزایش عرضه ارز و کالاهای اساسی در بازار، بویژه در مقاطع حساس، می‌تواند از شکل‌گیری کمبود و التهاب جلوگیری کند. پنجم، کنترل فضای روانی بازار از طریق اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع توسط بانک مرکزی و وزارت اقتصاد، نقش مهمی در کاهش اثرگذاری شایعات و اخبار جعلی دارد. در نهایت، توسعه بازارهای رسمی و دیجیتال برای خرید و فروش ارز و کالا، با هدف کاهش نقش واسطه‌ها و ایجاد رقابت سالم، می‌تواند مسیر فعالیت دلالتان را محدود کند.

مقابله با نقش دلالتان در بی‌ثباتی بازار نیازمند رویکردی چندوجهی، هماهنگ و مستمر است. اگر دولت بتواند با ابزارهای شفاف‌سازی، نظارت مؤثر، اصلاح ساختارهای بازار و تقویت عرضه وارد عمل شود، می‌توان انتظار داشت ثبات بیشتری در بازار ارز و کالا برقرار شود و فضای اقتصادی کشور به سوی آرامش و پیش‌بینی‌پذیری حرکت کند. اما در صورتی که دلالتان همچنان بتوانند در بازار اختلال ایجاد کنند نه‌تنها انتظارات تورمی پابرجا خواهد بود، بلکه

تخصیص ارز توسط دولت برای کنترل تورم نیز بی‌اثر خواهد شد. از این رو می‌توان گفت سیاست‌های کنترل بازار از طریق تداوم تخصیص ارز ترجیحی باید به صورت چند وجهی اجرا شود. همچنین باید توجه داشت مهار رشد نقدینگی یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت برای کنترل تورم و جلوگیری از شکل‌گیری تقاضای تورم‌زا در بازار است. در اقتصاد ایران، رشد بی‌رویه نقدینگی در سال‌های اخیر به یکی از عوامل اصلی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها تبدیل شده است. زمانی که حجم پول در گردش بدون پشتوانه

تولید افزایش می‌یابد، قدرت خرید جامعه بالا می‌رود، این مساله تحت تأثیر ناترازی بانک‌ها و کسری بودجه دولت است که باید کنترل شود. وقتی پول در جامعه زیاد گردش داشته باشد فشار تقاضا موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود. این پدیده بویژه در شرایط رکود تورمی، که هم‌زمان با کاهش تولید و افزایش تورم رخ می‌دهد، بسیار خطرناک است و می‌تواند اقتصاد را وارد چرخه‌ای معیوب از تورم و کاهش قدرت خرید کند. بنابراین دولت باید با حمایت از اقتصاد مولد کمک کند پول وارد چرخه تولید و سرمایه‌گذاری شود.

برای مهار نقدینگی، دولت باید مجموعه‌ای از سیاست‌های پولی، مالی و ساختاری را به‌کار گیرد. نخست، تقویت استقلال بانک مرکزی و اعمال سیاست‌های انقباضی پولی از طریق افزایش نرخ بهره بین‌بانکی و کاهش پایه پولی، می‌تواند از رشد نقدینگی جلوگیری کند. همچنین، انتشار اوراق بدهی و پیش‌فروش سکه از جمله ابزارهایی هستند که بانک مرکزی برای جذب نقدینگی مزاد در بازار استفاده کرده است، هرچند این اقدامات بیشتر جنبه کوتاه‌مدت دارند و برای اثربخشی بلندمدت، نیازمند اصلاحات ساختاری است.

در کنار سیاست‌های پولی، دولت باید به اصلاح نظام بودجه‌ریزی و کاهش کسری بودجه توجه ویژه‌ای داشته باشد. کسری بودجه، که معمولاً از طریق استقراض از بانک مرکزی یا انتشار پول جدید تأمین می‌شود، یکی از عوامل اصلی رشد نقدینگی است. با کاهش هزینه‌های

غیرضروری، افزایش درآمدهای مالیاتی پایدار و بهبود بهره‌وری در هزینه‌کرد منابع عمومی، می‌توان از فشار بر پایه پولی کاست و مسیر رشد نقدینگی را کنترل کرد. از سوی دیگر، هماهنگی میان سیاست‌های مالی، پولی و اعتباری نیز ضروری است. اگر دولت در یک سو سیاست‌های انقباضی پولی را دنبال کند اما در سوی دیگر با اعطای تسهیلات گسترده و بدون هدف به بخش‌های غیرمولد، نقدینگی دوباره به بازار تزریق خواهد شد و تلاش‌ها برای کنترل تورم بی‌نتیجه می‌ماند. بنابراین، هدایت اعتبارات بانکی به سمت بخش‌های مولد، بویژه تولید و صادرات، می‌تواند ضمن کنترل نقدینگی به رشد اقتصادی نیز کمک کند.

بهبود روابط تجاری با کشورهای منطقه نیز نقش مهمی در تعدیل انتظارات تورمی دارد. وقتی فضای اقتصادی کشور با ثبات و قابل پیش‌بینی باشد، رفتارهای هیجانی در بازار کاهش یافته و تقاضای تورم‌زا کنترل می‌شود. به‌طور کلی، مهار رشد نقدینگی نه‌تنها از بروز تورم جلوگیری می‌کند، بلکه زمینه‌ساز ایجاد ثبات اقتصادی، افزایش اعتماد عمومی و بهبود فضای کسب‌وکار خواهد بود. اجرای این سیاست‌ها نیازمند اراده سیاسی، هماهنگی نهادی و نظارت مستمر است تا بتواند به صورت پایدار و مؤثر در خدمت اقتصاد کشور قرار گیرد.

تجربه کشورهای مختلف جهان در مهار رشد نقدینگی و کنترل تورم نشان می‌دهد مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ پولی و مالی، بویژه در قالب سیاست‌های انقباضی، مؤثرترین راهکار برای مقابله با تورم و بی‌ثباتی اقتصادی بوده است. در دهه‌های اخیر، بسیاری از بانک‌های مرکزی با اتخاذ رویکردهای علمی و هدف‌گذاری تورمی توانسته‌اند نرخ تورم را به‌طور قابل توجهی کاهش دهند و ثبات اقتصادی ایجاد کنند.

برای مثال، در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳، اغلب بانک‌های مرکزی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، با افزایش نرخ بهره و کاهش پایه پولی، سیاست‌های انقباضی را در دستور کار قرار دادند. این اقدامات باعث شد نرخ تورم در بسیاری از کشورهای، از جمله ایالات متحده، اتحادیه اروپایی و حتی کشورهایی مانند ترکیه کاهش یابد.

یکی از الگوهای موفق جهانی، سیاست «هدف‌گذاری تورم» است که از دهه ۱۹۹۰ به عنوان چارچوب اصلی هدایت سیاست پولی در بسیاری از کشورها پذیرفته شد.

در این رویکرد بانک مرکزی یک نرخ تورم مشخص را به عنوان هدف اعلام می‌کند و با استفاده از ابزارهای مانند نرخ بهره، کنترل نقدینگی و تنظیم انتظارات بازار، تلاش می‌کند به آن هدف دست یابد. این سیاست در کشورهایی مانند کانادا، نیوزیلند و بریتانیا با موفقیت اجرا و موجب کاهش تورم‌های مزمن شده است.

همچنین کاهش سلطه مالی دولت و تقویت استقلال بانک مرکزی از دیگر پیش‌شرط‌های موفقیت در کنترل تورم بوده است. کشورهایی که توانسته‌اند کسری بودجه را کاهش دهند و از استقراض مستقیم از بانک مرکزی پرهیز کنند، در مهار رشد نقدینگی موفق‌تر عمل کرده‌اند. برگزاری جلسات دوره‌ای مقامات پولی برای پاسخگویی و شفاف‌سازی نیز نقش مهمی در اعتمادسازی عمومی و کنترل انتظارات تورمی داشته است.

در کشورهای در حال توسعه، مانند هند و اندونزی، ترکیب سیاست‌های پولی انقباضی با اصلاحات ساختاری در نظام مالیاتی و بودجه‌ریزی، موجب کاهش فشارهای تورمی و ایجاد ثبات نسبی شده است. در مجموع تجربه‌بات جهانی نشان می‌دهد مهار رشد نقدینگی و کنترل تورم نیازمند یک چارچوب سیاست‌گذاری منسجم، شفاف و مبتنی بر اعتماد عمومی است. استقلال بانک مرکزی، هدف‌گذاری تورم، کاهش کسری بودجه و هماهنگی میان سیاست‌های پولی و مالی، از جمله عناصر کلیدی این چارچوب هستند که می‌توانند برای اقتصاد ایران نیز الهام‌بخش باشند.

**گروه اقتصادی:** تصمیم بانک مرکزی مبنی بر ادامه تخصیص ارز ترجیحی برای نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی را می‌توان اقدامی راهبردی جهت کنترل تورم و مدیریت انتظارات تورمی در شرایط فعلی اقتصاد ایران دانست. در حالی که بازار ارز آزاد تحت تأثیر فعالیت‌های دلالتان و سفته‌بازان با نوسانات شدید و روندی صعودی مواجه شده، تداوم ارائه ارز ترجیحی به واردات کالاهای کلیدی می‌تواند نقش مهمی در حفظ ثبات قیمت‌ها ایفا کند. این سیاست از انتقال مستقیم نوسانات ارزی به بازار کالاجلوگیری کرده و مانع افزایش ناگهانی قیمت اقلام ضروری می‌شود.

قبلا قرار بود برخی کالاهای اساسی برای واردات به جای ارز ترجیحی، ارز ترکیبی دریافت کنند اما در مقطع کنونی بانک مرکزی ترجیح داده همچنان ارز ترجیحی تخصیص یابد تا مانع بروز انتظارات تورمی شود. کالاهای اساسی مانند خوراک دام، روغن، گندم و دارو، بخش مهمی از سبد مصرفی خانوارها بویژه اقشار کم‌درآمد را تشکیل می‌دهد، به همین دلیل با کنترل قیمت این کالاها از طریق ارز ترجیحی، فشار تورمی بر خانوارها کاهش یافته و قدرت خرید آنها حفظ می‌شود. از سوی دیگر، این اقدام سیگنالی مثبت به بازار مخابره و از شکل‌گیری انتظارات تورمی جلوگیری می‌کند، چرا که یکی از عوامل تشدید تورم، انتظارات روانی مردم نسبت به آینده قیمت‌هاست. وقتی جامعه احساس کند دولت در کنترل قیمت‌ها موفق عمل کرده، رفتار مصرفی و سرمایه‌گذاری نیز به سمت ثبات حرکت می‌کند.

البته در کنار مزایای این سیاست، باید به چالش‌های آن نیز توجه داشت. تخصیص ارز ترجیحی نیازمند نظارت دقیق و شفافیت کامل در فرآیند توزیع است تا از بروز رانت جلوگیری شود، چراکه پش از این شاهد بوده‌ایم که برخی واردکننده‌ها با وجود اینکه ارز ترجیحی دریافت می‌کردند اما کالاها را با قیمت همان ارز به بازار تزریق نمی‌کردند. البته پایدار ی منابع ارزی کشور برای ادامه این سیاست ضروری است. در موقعیت کنونی طبق اعلام بانک مرکزی، منابع حاصل از صادرات نفت و ذخایر ارزی در وضعیت مناسبی قرار دارد و این سیاست فعلاً قابل اجراست.

ادامه تخصیص ارز ترجیحی در شرایط فعلی نه‌تنها اقدامی اقتصادی، بلکه تدبیری اجتماعی برای حمایت از معیشت مردم و حفظ آرامش روانی بازار است. این سیاست اگر با اصلاحات ساختاری همراه شود، می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در کنترل تورم و تثبیت اقتصاد ملی عمل کند.

■ **راهبرد خودکفایی در تولید کالاهای اساسی**

در کنار سیاست تخصیص ارز ترجیحی برای واردات نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی، ضروری است نگاه بلندمدت‌تری به مساله تأمین این اقلام حیاتی در داخل کشور داشته باشیم. یکی از راهبردهای کلیدی در این مسیر، تقویت تولید داخلی و حرکت به سمت خودکفایی در تأمین کالاهای اساسی است. اگر قیمت تمام‌شده تولید اینن کالاها در داخل کشور رقابتی و مقرون به صرفه باشد، تمرکز بر تولید داخلی نه‌تنها از وابستگی به واردات می‌کاهد، بلکه به پایداری اقتصادی و امنیت غذایی کشور نیز کمک شایانی خواهد کرد.

توسعه زیرساخت‌های کشاورزی، حمایت از تولیدکنندگان داخلی، بهبود بهره‌وری در زنجیره تولید و اصلاح سیاست‌های حمایتی از جمله اقداماتی است که می‌توانند زمینه‌ساز افزایش تولید کالاهای اساسی در داخل کشور باشند. همچنین سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و آموزش نیروی انسانی متخصص در حوزه کشاورزی و دامپروری می‌تواند کیفیت و کمیت تولید را ارتقا دهد و کشور را در مسیر خودکفایی قرار دهد.

از سوی دیگر، خودکفایی در تولید کالاهای اساسی نه‌تنها به کاهش فشار بر منابع ارزی کشور منجر می‌شود، بلکه در برابر نوسانات جهانی قیمت‌ها و بحران‌های بین‌المللی، نوعی سپر اقتصادی برای کشور ایجاد می‌کند. در شرایطی که بازارهای جهانی با بی‌ثباتی مواجه